

نویافته‌ای از سراج‌الدین علی‌خان آرزو

مهدی رحیم‌پور*

چکیده

سراج‌الدین علی‌خان آرزوی اکبرآبادی بی‌تردید یکی از پرکارترین دانشمندان زمان خود بود که صرف‌نظر از ویژگیهای خاص آثار وی، حتی از لحاظ کمیت نیز نوشته‌های او قابل توجه است و تعداد زیادی کتاب و رساله در موضوعات مختلف ادبی از خود به جای گذاشته است. تقریباً همه نوشته‌های او شناخته و معرفی شده‌اند؛ ولی برخی از نوشته‌ها و یادداشتهای او هنوز ناشناخته باقی مانده‌اند که اکنون کسی از وجود آنها مطلع نیست. یکی از این نوشته‌ها تقریظی است که وی بر سفینه خوشگو نوشته است. نگارنده در اینجا ضمن معرفی این تقریظ متن آن را نیز نقل کرده است.

کلیدواژه‌ها: سراج‌الدین علی‌خان آرزو، تقریظ، سفینه خوشگو، بندارین داس خوشگو.

مقدمه

سراج‌الدین علی‌خان آرزو (۱۰۹۹-۱۱۶۹ق) از علما و صاحب‌نظرانی است که به گواهی آثار باقی‌مانده از او، یکی از پرکارترین دانشمندان زمان خود بوده است. اگر ویژگی‌های خاص آثار وی را در نظر بگیریم، حتی از لحاظ کمیت نیز نوشته‌های وی قابل توجه است و تعداد زیادی کتاب و رساله در موضوعات مختلف ادبی از او جای مانده است. کمتر اثری در حوزهٔ زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره از قرن دوازدهم به این سو نوشته شده، که در آن نشان و اثری از آرزو نباشد. به‌ویژه آنکه وی تعداد زیادی شاگرد در مکتب خود تربیت کرده که همگی مروج و مبلغ دیدگاه‌های او بوده‌اند. یکی از این شاگردان، بندرابن داس خوشگو (وفات: ۱۱۷۰ق)، صاحب تذکرهٔ معروف سفینهٔ خوشگو است.^۱ شهرت خوشگو عموماً به همین تذکره‌اش است که در سال ۱۱۳۷ق تألیف آن آغاز شد و در ۱۱۴۷ قمری به اتمام رسید. این تذکره از سه دفتر تشکیل شده که دفتر اول آن دربردارندهٔ شرح احوال بیش از ۳۶۰ شاعر متقدم است، دفتر دوم مشتمل بر ذکر بیش از ۸۰۰ شاعر دورهٔ میانه است و دفتر سوم که از اهمیت بیشتری برخوردار است، به شرح احوال حدود ۲۴۰ شاعر معاصر می‌پردازد.^۲

تقریظ آرزو بر سفینهٔ خوشگو

آنچه سبب نوشته شدن این مطلب شده، تقریظی است از سراج‌الدین علی‌خان آرزو که در ابتدای دفتر اول این تذکره نوشته شده است. همچنانکه از فحوای این تقریظ مشخص است آرزو، بنا به درخواست خوشگو آن را نوشته است. خوشگو در ابتدای تذکره صراحتاً گفته است که در سال ۱۱۵۵ قمری که از کوت کانگره به دهلی بازگشت، تذکره

۱. در مورد برخی از شاگردان مهم او نک: رحیم‌پور ۱، ص ۱۳ - ۱۴.

۲. گفتنی است خوشگو گاه ذیل ترجمهٔ احوال برخی شعرا (نک: ذیل بی‌خبر بلگرامی و ملا علی‌نقی سابق تخلص) از دفتر چهارم این تذکره نیز یاد کرده که تا کنون نسخه‌ای از آن به دست نیامده است؛ همچنین لازم به ذکر است دفتر اول این تذکره هنوز چاپ نشده و در کتابخانهٔ مجلس شورا بر اساس یکی از نسخه‌های کتابخانهٔ خدابخش، آمادهٔ چاپ است. دفتر دوم آن به کوشش کلیم اصغر توسط همان کتابخانه در سال ۱۳۸۹ چاپ شده است و دفتر سوم در سال ۱۳۷۷ق/۱۹۵۷م به اهتمام سید شاه محمدعطاءالرحمن کاکوی در پتته چاپ شده است. در مورد خوشگو و تذکره‌اش نک: رحیم‌پور ۲، ص ۲۴۵ - ۲۴۶.

را برای اصلاح نزد آرزو برد و آرزو ضمن برخی اصلاحات^۱ این تقریظ را نیز بر آن نوشت (خوشگو ۱، ص ۷).

تاکنون کسی در مورد این تقریظ و محتوای آن اطلاعی نداده است و نگارنده نیز چند سال پیش که به مناسبتی به دست‌نویسی از دفتر اول این تذکره که به شماره Univ.F.A.34 در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علی‌گره نگهداری می‌شود و روگرفتی از آن در مرکز تحقیقات کتابخانه مجلس موجود است، مراجعه کرد، به یادداشت آرزو در ابتدای آن برخورد کرد.^۲ به رغم آنکه دفتر دوم و سوم این سفینه چاپ شده، دفتر اول هنوز چاپ نشده است و به این دلیل کسی از تقریظ آرزو اطلاعی نداشت؛ بنابراین متن این تقریظ که در این جا ارائه خواهد شد، نویافته تلقی می‌شود. این تقریظ، کوتاه و به مانند همه تقریظ‌های علما بر کتاب‌های شاگردان خود آمیخته به ستایش غلوآمیز است.^۳ از محتوای این تقریظ می‌توان به این موارد برجسته اشاره کرد:

- گرچه آرزو در آن به ضعف و پیری خود اشاره می‌کند ولی همچنانکه گفتیم خوشگو در سال ۱۱۵۵ قمری در دهلی، تذکره را برای اصلاح نزد آرزو برد و آرزو ضمن برخی اصلاحات تقریظی نیز بر آن نوشت. بنابراین با توجه به تاریخ تولد آرزو (۱۰۹۹ق) آرزو در سال ۱۱۵۵ قمری ۵۶ ساله بوده و هنوز بسیاری از تألیفات خود از جمله دو اثر بسیار مهم و تأثیرگذار خویش یعنی مثمر و مجمع/نفایس را ننوشته بود.^۴ از این‌رو، این

۱. خوشگو با رعایت امانت همه مواردی را که آرزو در حاشیه تذکره به عنوان اصلاح یادداشت کرده، عیناً و با ذکر نام آرزو نقل کرده است. برای نمونه نک: خوشگو ۳، ص ۳۰، ۳۱۰، ۳۷۷، ۵۰۶، ۵۲۱ - ۵۲۲ و....
۲. شایان ذکر است میکروفیلمی از این دست‌نویس به شماره ۷۹/۱ در مرکز میکروفیلم نور در دهلی موجود است. ما به لطف دوست دانشمند بهروز ایمانی روگرفتی از اصل دست‌نویس را در اختیار داشتیم که کیفیت بهتری دارد.
۳. تقریظ اسم مصدر از باب تغعیل و واژه‌ای عربی است، در فرهنگ‌های مختلف فارسی، عربی و هندی اعم از منتهی‌الارب فی لغت العرب، فرهنگ ناظم‌الاطبا نفیسی، لسان‌العرب، لغتنامه دهخدا، آندراج و... معنای لغوی و اصطلاحی مشخصی دارد. تقریظ از ریشه «ق، ر، ظ» در لغت به معنی مطلق مدح کردن و ستودن و نیز به معنی ستودن شخص زنده است که می‌تواند به حق یا باطل باشد و منظور از باطل، رویکرد اغراق‌آمیز مطلب ستایش‌آمیز است. تقریظ‌نویسی در اصطلاح ستودن مکتوب کسی و تصدیق نوشتن بر اثر وی در قالب نوشتن درآمدی ستایش‌آمیز همراه با ستایش نویسنده آن تعریف و تفسیر شده است. در تقریظ برخلاف نقد، که منتقد به هر دو جنبه قوت و ضعف مطلب می‌پردازد، نویسنده رویکرد ستایشگرانه توأم با اغراق و مبالغه دارد. کسی که بر اثری تقریظ می‌نویسد، باید بر موضوع کتاب احاطه داشته باشد.
۴. مثمر در سال ۱۱۶۴ نوشته شده و تألیف مجمع/نفایس نیز همان سال آغاز شده است.

همه اظهار عجز و ناتوانی برای نوشتن یادداشت کوتاه سه صفحه‌ای قدری عجیب است. - سفینهٔ خوشگو پیش از مجمع‌النفایس نوشته شده است. با این وجود، آرزو در تذکره‌اش به ندرت به سفینهٔ خوشگو اشاره کرده است. اگرچه ذیل نام خوشگو از وی و تذکره‌اش ستایش و تمجید کرده است (آرزو ۲، ج ۱، ص ۴۵).

روزگار سیاه «معنی»

یکی از مهمترین و در واقع اصلی‌ترین سخنی که می‌توان از این تقریظ دریافت کرد این جملهٔ آرزوست که شبیه آن را مکرر در دیگر آثارش می‌بینیم؛ وی در ستایش سفینهٔ خوشگو می‌گوید:

«از مطلع صبح سخنوری استاد رودکی تا مقطع شام این عصر که معنی به روز
سیاه نشسته از کتاب مذکور روشن و احوال کمال‌اشتمال صاحب‌کمالان از آن
میرهن است»

منظور ما عبارت «معنی به روز سیاه نشسته» است که اشاره به یکی از مباحث منتقدان آن دوره دارد و آرزو در سایر آثارش نیز در خصوص معنی داشتن و نداشتن شعر سخن گفته است. در برخی تذکره‌های این دوره صراحتاً به این نکته اشاره شده که شعر خوب بی‌معنی است و حتی شیرعلی خان لودی در فصل سوم تذکرهٔ *مرآة‌الخیال* که به صنایع شعری پرداخته ذیل مدخل «خیال» صراحتاً گفته است که «شعر خوب معنی ندارد» (لودی، ص ۹۷). آرزو نیز به‌ویژه در تذکرهٔ *مجمع‌النفایس* ذیل برخی اسامی، ویژگی‌هایی نظیر بی‌معنی بودن، دور از ادراک بودن و غیر قابل فهم بودن شعر را از امتیازات شعر می‌داند. فتوحی ضمن اشاره به نمونه‌هایی از تذکره‌ها که «بی‌معنی» بودن شعر را امتیاز آن تلقی می‌کنند، این ویژگی را شاخه‌ای از دورخیالی می‌داند که بازی‌های آزاد خیال به افراط کشیده شده است و از این رو شعر بسیار دور از ذهن و بعضاً غیرقابل فهم می‌شود و به «بی‌معناگویی» می‌انجامد (فتوحی ۱، ص ۳۰-۳۱؛ همو، ج ۳، ص ۵۷۲-۵۷۳). این ویژگی همچنانکه گفتیم در بین شعرا و تذکره‌نویسان آن دوره از اهمیت بالایی برخوردار بوده است و به همین خاطر تعداد شعرایی که به این سبک شعر می‌گفتند روزبه‌روز بیشتر می‌شد. میرزا جلال اسیر شهرستانی، زلالی خوانساری و

عبداللطیف خان تنها از این دسته از شعرا بودند.^۱ بنابراین آنچه آرزو در این تقریظ گفته در این روزگار «معنی به روز سیاه نشسته» اشاره به همین ویژگی سبکی شعر این دوره است که آرزو بارها تبخّر و استادی خود را در سبک‌شناسی شعر فارسی نشان داده است.^۲ از دفتر اول سفینه خوشگو که تقریظ آرزو را نیز در بر داشته باشد به غیر از دست‌نویس کتابخانه علی‌گره، دو دست‌نویس دیگر می‌شناسیم: یکی دست‌نویسی که اشپرنگر در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه پادشاهان اوده معرفی کرده و ظاهراً هم‌اکنون در برلین نگهداری می‌شود. این دست‌نویس که گویا کامل است، در سال ۱۱۹۱ قمری در دهلی کتابت شده و حدود ۶۰۰ صفحه است (نک: Sprenger, p130-132). دست‌نویس دیگر به شماره ۴۰۲۳ در کتابخانه ایندیآفیس نگهداری می‌شود (به نقل از گلچین معانی، ج ۱، ص ۷۱۵). ولی ما به هیچ‌کدام از دست‌نویس‌های مذکور دسترسی نداشتیم و تنها دست‌نویس کتابخانه مولانا آزاد در اختیار ما بود و تقریظ آرزو را از روی همان دست‌نویس نقل کردیم و در موارد اندکی به تصحیح آن پرداختیم. دست‌نویس مذکور در ۲۸۷ برگ کتابت شده است. به دلیل ناقص‌الآخر بودن از نام کاتب و تاریخ کتابت اطلاعی نداریم. احتمالاً این دست‌نویس نیز اواخر قرن دوازدهم کتابت شده است. هر صفحه دارای ۱۵ سطر و به خط نستعلیق تحریری کتابت شده است. تقریظ آرزو پیش از مقدمه خوشگو در دو برگ ابتدای نسخه آمده است. نثر این تقریظ نیز به مانند دیگر دیباچه‌ها و تقریظ‌ها، نثری مصنوع و متکلف است و در چند جمله آن سجع‌های آهنگین نیز به چشم می‌خورد. همچنین عبارات پایانی این یادداشت آمیخته به اصطلاحات کتاب‌پردازی و نسخه‌شناسی است. کلماتی نظیر «صاد»، «نقطه»، «درازنویسی»، «جنگ»، «سفینه»، «مهر پشت کتاب» و چند اصطلاح دیگر. ما در نقل این تقریظ رسم‌الخط آن را

۱. گفتنی است آرزو در *تنبیه الغافلین* (ص ۳۰ - ۳۱) از یکی از استادان خود به نام عبدالرضا متین نقل می‌کند که وی مسئله دلالت در شعر را به دو درجه تقسیم‌بندی کرده است: «معنی» و «یعنی»؛ و تعریفش از این دو مفهوم چنین است که «آنچه از شعر بی‌تکلف حاصل شود «معنی» است و هرچه به توجیه و تکلف برآید ما او را «لایعنی» می‌گوییم». استاد شفیع‌ی کدکنی در تفسیر این عبارت گفته‌اند که کلمه «معنی» چون مفهوم اسمی و مصدری دارد، فاعل در آن لحاظ نمی‌شود و برای همه یکسان است، ولی در کلمه «یعنی» چون فعل است فاعل منتظر قرار می‌گیرد و چون فاعل‌ها بالقوه بی‌نهایت‌اند، قلمرو دلالت نیز بی‌نهایت است (شفیعی کدکنی، ۱، ص ۲۷).

۲. در این زمینه نک: شفیع‌ی کدکنی، ۲، سراسر مقاله؛ هم ایشان در کتاب *شاعری در هجوم منتقدان* به مقوله شعر بی‌معنی در نزد منتقدان شبه‌قاره توجه داده‌اند. نک: همو، ۱، ص ۲۵-۲۸.

مطابق رسم‌الخط فرهنگستان تغییر دادیم و در باقی موارد جز در موارد اندکی که به تصحیح قیاسی نیاز بود (با ذکر اصل در پای صفحه)، هیچ دخالتی در متن نکردیم.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

هرچند که از عین و سوا می‌گویم گر وانگری جمله خطا می‌گویم
چون حمد خدا به واجبی ممکن نیست برجاست که نعت مصطفی می‌گویم

سبحان‌الله همچو من پریشان‌حواسی را یاران خوشگو متفق شده، می‌خواهند که بر سر سخن آرند. سخن همان سخن نیست که من این معنی را محو و منسی از خاطر ساخته چون زبان لال به گنج خمول نشسته‌ام، درخواست عزیزان بی‌جاست. ای بی‌خبران! طوطی تصویر را آینه در پیش داشتن، دگان انصاف تخته‌کردن است و مرغ^۱ سربریده را تکلیف بانگ نمودن آبی بر روی کمال بی‌رحمی آوردن. طبع روانم نفس سوختهٔ خاموشی است و سیلاب ترزبانم یخ‌بند بی‌خروشی؛ پیری‌ها مرا دریافت، موسم شور جوانی ربود. خزان به گردش رنگ در قفسم کرد، ایام تازه‌گوئی پریشانی نموده:

شما کازادگان شاخسارید نشاط سرو و گل فرصت شمارید

من که چون گنگ خوابدیده به تقریر عاجزم، حرف خوب از کجا آرم؟ مجد همگر^۲ نام^۳ که پوچ نبافم و اگر خواه مخواه از این مقوله سر حرفی وا باید کرد، هرزه‌گوئی من شنیدنی است و پریشان‌نویسی من فهمیدنی.

از مدت چهل سال که اوراق کتاب‌ها را چون نامهٔ اعمال خود سیاه کرده‌ام و تواریخ شعرای متقدم و متأخر به مطالعه آورده، نسخه‌ای جامع‌تر از سفینهٔ خوشگوی که تألیف وارستهٔ عالم رنگ و بو، خوشگو، هم‌قافیهٔ فقیر آرزوست، ندیده‌ام. از مطلع صبح سخنوری استاد رودکی تا مقطع شام این عصر، که معنی به روز سیاه نشسته، از کتاب مذکور روشن، و احوال کمال‌اشتمال صاحب‌کمالان از آن مبرهن است؛ به دولت همنشینیش دولت‌شاه^۴ به دولت اسکندری رسیده و صاحب هفت‌اقلیم به شرح صدر، مصداق عرصهٔ کعرض السموات گردیده، تذکرهٔ علاءالدوله^۴ در پیشش حسیض‌نشین هیچ‌مدانی و

۱. اصل: بمرغ.

۲. اصل: مجد همگرانه‌ام.

۳. منظور تذکرهٔ دولت‌شاه سمرقندی است.

۴. منظور نفائس‌المآثر کامی قزوینی است.

طبقات اکبری به مقابل آن به زیر هفتم طبق زمین از پشیمانی، کلمات‌الشعرا ازو در دهن‌ها افتاده^۱ و تذکره نصرآبادی را ازو نضرتی روی داده، صاد^۲ را اگر چشم بصارت نیست از چه حیران اشعار بی‌نظیرش گردیده و نقطه اگر سویدای قلب انتخاب نباشد، چرا چون خال موزون بر روی ابیات منتخبش جا گزیده؟

خوبی عبارات به صفای چشمه حیوان حرف‌زن و پیچیدگی استعارات به موی مستعار دوشیزگان به سر زلف در سخن. درازنقشی زمانه در تعریف ساده نوشتنش دمی و طول نویسی امواج دریا در مدح اعترافش رقمی. الهی! تا جنگ قدیم روزگار و سفینه لیل و نهار به صاد مهر و ماه و نقطه‌های انتخاب کواکب آراسته و پیراسته است، چشم اهل قبول چون مهر پشت کتاب همیشه با او باد»^۳.



۱. با توجه به اینکه یکی از منابع سفینه خوشگو، کلمات‌الشعراست، منظور آرزو این است که کسی شناختی از تذکره کلمات‌الشعرا نداشت و وقتی خوشگو مطالب آن را بعضاً با ذکر منبع در ضمن مطالب خود آورد باعث شد تا کلمات‌الشعرا نیز به شهرت برسد.

۲. حرف «ص» که در حاشیه نسخه‌ها توسط مؤلف، یا مقابله‌کننده و یا توسط کاتب نوشته می‌شد که به معنای «صحیح» است.

۳. همچنانکه ملاحظه می‌شود پاراگراف اخیر آمیخته به اصطلاحات کتاب‌آرایی و نسخه‌شناسی است.

منابع

- آرزو، سراج‌الدین علی (۱)، *تنبيه الغافلین*، مقدمه و تصحیح محمد اکرم، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۴۰۱ق.
- _____ (۲)، *مجمع‌النفايس*، تصحیح زيب‌النسا، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۸۳.
- خوشگو، بندرین داس (۱)، *سفینه خوشگو*، دفتر اول، دست‌نویس شماره Univ.F.A.34 کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره.
- _____ (۲)، همان، دفتر سوم، به کوشش سیدشاه محمد عطاء‌الرحمن کاکوی، پتنه، ۱۳۷۸ق/ ۱۹۵۹م.
- _____ (۳)، همان، دفتر دوم، تصحیح کلیم اصغر، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- رحیم‌پور، مهدی (۱)، *برخوان آرزو*، مرکز احیاء میراث اسلامی، قم، ۱۳۹۱.
- _____ (۲)، «خوشگو»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۲.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱)، *شاعری در هجوم منتقدان*، آگاه، تهران، ۱۳۷۵.
- _____ (۲)، «مسائل سبک‌شناسی از نگاه آرزو»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۱۴۱، تابستان ۱۳۸۲.
- فتوحی، محمود (۱)، *نقد خیال*، روزگار، تهران، ۱۳۷۹.
- _____ (۲)، «سبک هندی»، *دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره*، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۲.
- گلچین معانی، احمد، *تاریخ تذکره‌های فارسی*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸.
- لودی، شیرعلی، *تذکره مرآة‌الخیال*، به اهتمام حمید حسنی، با همکاری بهروز صفرزاده، روزنه، تهران، ۱۳۷۷.
- Sprenger, M.d, *A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustany manuscripts of the Libraries of the King of Outh*, Calcutta, 1854.